

یادداشت

پس‌تافهم: گذار از «سکون راهبردی» به «سکوت راهبردی»

این در حالی است که الگوی خیزش اقتصادی کشوری مانند چین به عنوان یکی از دو ابرقدرت دنیای جدید حاکی از تمرکز بر انباشت قدرت واقعی به‌جای نمایش قدرت، اولویت مدارا بر منازعه و پرهیز از تحریک محیط خارجی تا زمان رسیدن به بلوغ اقتصادی و فناوریانه بوده است. همان‌گونه که دنگ شیائوپنگ در جمله معروف خویش می‌گوید: «توانایی‌های خود را پنهان کن و زمان را انتظار بکش». تفسیر عملی این جمله آن است که وارد رقابت ژئوپلیتیکی زودهنگام نشو، ادعاهای بزرگ جهانی مطرح نکن. ابتدا اقتصاد را بساز، اجازه بده دیگران درگیر رقابت‌های پرهزینه شوند و در سکوت، ظرفیت صنعتی و فناوریانه خلق کن. از این منظر، ایران برای برخورداری از جایگاه ممتاز و تعیین‌کننده در نظم آینده منطقه، بیش از هر چیز به بازتعریف قدرت ملی و سازوکار تولید آن نیاز دارد. منطقه جنوب غرب آسیا در نظم آتی احتمالا دیگر فقط میدان تقابل‌های امنیتی و تمرکز صرف بر روی برتری نظامی نیست، بلکه در کنار اهمیت و وزن آن، به میدان رقابت بر سر کریدورها، زنجیره‌های تأمین، مسیرهای انرژی، اقتصاد دیجیتال، بنادر، اتصال ریلی و شبکه‌های مالی نیز تبدیل می‌شود. در چنین وضعیتی، کشوری موفق‌تر خواهد بود که بتواند «بازاراندگی نظامی» را به «بازاراندگی چندوجهی و هوشمند» متحول کرده و بتواند «مرکز ثقل همکاری و منافع اقتصاد» شود، نه صرفا «کلون مقاومت». این به معنای عدول از اصول یا عقب‌نشینی ژئوپلیتیکی نیست، بلکه به معنای تغییر در مفهوم قدرت و هندسه اعمال آن است. برای اگر بخواید در دهه آینده بازیگر مؤثر منطقه باقی بماند، باید از وضعیت «حکمرانی بر لبه تنش و سکون» به سمت وضعیت «حکمرانی از طریق ثبات و سکوت» حرکت کرده و نسخه جدیدی از «نقوذ» را مبنای تولید قدرت قرار دهد: نقوذ نیز نه‌فقط با ابزارهای سخت، بلکه با اتصال اقتصادی، نقوذ فناوریانه، مزیت لجستیکی، پیوند‌های مالی و نقش آفرینی مؤثر در اقتصاد منطقه شکل می‌گیرد. یکی از خطاهای راهبردی در سیاست خارجی ایران طی سال‌های گذشته، تبدیل‌شدن برخی مواضع تاکتیکی به اهداف دائمی سیاست رسمی یا تزیین‌ها بوده است. در حالی که بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای حتی در اوج اختلافات، از تولید ادبیات تحریک‌آمیز اضافی علیه یکدیگر پرهیز می‌کنند، در ایران کاره نوعی «تورم گفتاری» مشاهده می‌شود که هزینه‌هایش بسیار بیشتر از دستاوردهایش است. در جهان جدید، همه چیز الزاما نباید گفته شود؛ بخشی از قدرت، در «ندانستن طرف مقابل از مرزهای واقعی تصمیم» نهفته است. سکوت راهبردی دقیقا در همین نقطه معنا پیدا می‌کند. سکوت راهبردی یعنی پرهیز از خلق گسسل‌های جدید در روابط خارجی؛ یعنی اجتناب از تحمیل تنش‌های غیرضروری به اقتصاد کشور؛ یعنی آنکه ایران به‌جای درگیرشدن هم‌زمان در چندین میدان فرسایشی، تمرکز خود را بر تثبیت و سپس فراوری مزیت‌های ژئوپلیتیکی‌اش بگذارد. ایران از معدود کشورهای است که هم‌زمان به آسیای مرکزی، قفقاز، خلیج فارس، شبه‌قاره، مدیترانه و کریدورهای شرق – غرب دسترسی دارد. اما این موقعیت ممتاز، زمانی به قدرت واقعی تبدیل می‌شود که کشور بتواند به «گره اتصال» منطقه بدل شود، نه صرفا بازیگری که دیگران نگران واکنش‌های پیش‌بینی‌ناپذیرش هستند. اقتصاد جهانی آینده بیش از هر زمان دیگری بر محور اتصال‌ها شکل می‌گیرد و کشورهایی که بتوانند امنیت مسیر، ثبات تصمیم و قابلیت همکاری بلندمدت ایجاد کنند، برندگان اصلی خواهند بود. از همین منظر، کاهش تنش با همسایگان نه یک تاکتیک موقت، بلکه بخشی از ضرورت بازآفرینی قدرت ملی ایران است. ایران نمی‌تواند هم‌زمان در پی جذب سرمایه، توسعه کریدورهای ترانزیتی، افزایش تجارت منطقه‌ای و ایفای نقش در نظم جدید اقتصاد آسیا باشد، اما محیط پیرامونی‌اش دامن‌ا در وضعیت هشدار و بی‌اعتمادی قرار گیرد. توسعه‌ه بیش از هر چیز، محصول «قابلیت پیش‌بینی» است. قدرت‌های نوظهور جهان نیز دقیقا از همین مسیر حرکت کرده‌اند. چین پیش از آنکه به قدرت اقتصادی جهانی تبدیل شود، برای چند دهه از ورود به بسیاری از منازعات پرهزینه اجتناب کرد و تمرکز خود را بر انباشت قدرت اقتصادی گذاشت. ترکیه نیز با وجود تمام فراز و فرودها، کوشیده است میان تنش‌های امنیتی و فرصت‌های اقتصادی توازن برقرار کند. حتی عربستان امروز در حال عبور از سیاست منطقه‌ای پرهزینه دهه گذشته به سمت نوعی عمل‌گرایی ژئواونومیست است. ایران نیز ناگزیر از اتخاذ چنین سیاست و بازتنظیم مجدد دستکار حکمرانی خویش است. منطقه در حال ورود به عصر «رقابت برای معماری آینده» است؛ عصری که در آن برنده نهایی الزاما کشوری نیست که بلندترین صدا را دارد، بلکه کشوری است که بتواند بیشترین پیوند یا به تعبیر بهتر، نقوذ را ایجاد کند. در چنین شرایطی، شاید مهم‌ترین تحول موردنیاز در سیاست خارجی ایران، تغییر از الگوی تفوق «سیاست‌های اعلامی» بر «سیاست‌های اعمالی» به منظور خلق و بهره‌برداری از فرصت‌های توسعه اقتصادی در فضای با ثبات و با سطح آرتروپلی تنش پایین باشد؛ فرصت‌هایی که بتوانند سایر کشورهای منطقه و بازیگران مؤثر را به همکاری با ایران نایزمند و وابسته کرده و منافع کشورهای مختلف را به امنیت و ثبات ایران گره بزنند. این همان نقطه‌ای است که ژئوپلیتیک ممتاز ایران می‌تواند با یک ظرفیت بالقوه به یک مزیت بالفعل تبدیل شده و دارایی‌های طبیعی و اجتماعی خود را به سوخت موشک جهش اقتصادی تبدیل کند. شاید اکنون بیش از هر زمان دیگری، زمان آن رسیده باشد ایران از سکون راهبردی عبور کند و به سکوت راهبردی برای حداقل چند سال آتی برسد؛ سکوتی که نه نشانه انفعال، بلکه مقدمه بارگشت به بازی بزرگ ساخت آینده منطقه است: آینده‌ای برای ساخت ایران قوی.

شُرق: نخست‌وزیر بریتانیا پس از پیروزی قاطع «اندی برنهام» در انتخابات میان‌دوره‌ای میکروفیلد، با جدی‌ترین بحران نخست‌وزیری خود روبه‌رو شده است؛ متحدان سابق کی‌یر استارمر از انتقال منظم قدرت می‌گویند و داویننگ استریت هنوز بر ماندن او در نبرد رهبری حزب کارگر اصرار دارد. متحدان کی‌یر استارمر باور دارند نخست‌وزیر بریتانیا پس از ریزش ناگهانی حمایت‌ها در آخر هفته، خود را برای کناره‌گیری آماده می‌کند. یک مقام ارشد دولت بریتانیا به تلگراف گفته است استارمر به این جمع‌بندی نزدیک شده که «بازی تمام شده» و حالا بیشتر به این فکر می‌کند که چگونه میراث خود را حفظ کند. این روایت، اگرچه هنوز از سوی داویننگ استریت تأیید نشده، اما فضای حزب کارگر را از حالت زمزمه به مرحله انتظار رسانده است.

پیروزی اندی برنهام در انتخابات میان‌دوره‌ای میکروفیلد، همان ضربه‌ای بود که بحران را از درون محافل پارلمانی به سطح تصمیم فوری کشاند. برنهام، شهردار محبوب پیشین منچستر بزرگ، کرسی میکروفیلد در شمال غرب انگلستان را با نزدیک به ۵۵ درصد از ۲۵هزارو ۵۱۰ رأی به دست آورد؛ بیش از ۹ هزار رأی جلوتر از نامزد رفرم یوکیپ و ضدمهاجرت نایجل فاراژ. حالا او عضو مجلس عوام است و از نظر ساختاری می‌تواند برای رهبری حزب کارگر خیز بردارد. استارمر به برنهام تبریک گفت، اما هم‌زمان تأکید کرد اگر رقابت رهبری شکل بگیرد، کنار نمی‌کشد. او گفت: «رقابت می‌کنم، می‌ایستم» و اضافه کرد بارها گفته از این میدان دور نخواهد شد. مشکل اینجاست که در وست‌مینستر، اصرار شخصی نخست‌وزیر دیگر با محاسبه جمعی حزب یکی نیست. یک نماینده حزب کارگر که معمولا در اردوگاه وفاداران استارمر قرار می‌گرفت، گفته حمایت از نخست‌وزیر اکنون به چند نفر از «دوستان و خانواده» محدود شده است. همین نماینده گفت تقریبا کسی باقی نمانده، مگر کسانی که خوشاوندی در شماره ۱۰ داویننگ استریت دارند یا از دوستان شخصی قدیمی استارمر هستند. او تلاش برای ایستادن مقابل مسیر برنهام به سوی داویننگ استریت را به «جنکیند با جاذبه» تشبیه کرد. استعاره تندی است، اما فضای حزب را به خوبی توصیف می‌کند؛ مقاومت وجود دارد، اما وزن سیاست در جهت دیگری حرکت می‌کند.

کابینه علیه تعلل استارمر

فشار فقط از پشت صندلی‌های مجلس عوام نمی‌آید؛ پنج وزیر ارشد کابینه به شکل خصوصی از استارمر خواسته‌اند جدول زمانی خروج خود را مشخص کند. طبق گزارش تلگراف، هایدی الکساندر، وزیر حمل‌ونقل، روز جمعه چنین پیامی داده و ایوت کوپر، وزیر خارجه نیز موضع مشابهی گرفته است. شبانه محمود، وزیر کشور و اد میلیبند، دوست قدیمی نخست‌وزیر، پیش‌تر به او گفته بودند باید از قدرت کنار برود. وقتی حلقه وفاداران قدیمی چنین حرفی می‌زند، بحران دیگر فقط شورش حاشیه‌ای نیست. یک مقام دولت پیش‌بینی کرده در هفته جاری «اتفاقی خواهد افتاد» و هشدار داده اگر استارمر استعفا ندهد، حزب ممکن است به قلمرو استعفا‌های جمعی برسد. منعی دیگر گفته نخست‌وزیر روزهای شنبه و یکشنبه را صرف فکرکردن به آینده خود کرده و این بار کسانی که به او می‌گویند وقتش تمام شده، «آدم‌های متفاوتی» هستند، نه همان منتقدان همیشگی. همین تفاوت برای داویننگ استریت خطرناک‌تر از صدای مخالفان قدیمی است. در بی‌بی‌سی، یک منبع دولتی گفته تصور پیروزی استارمر بر برنهام در رقابت رهبری «دیوانگی» است، یک منبع کابینه هم گفته نمی‌خواهد بین نخست‌وزیر در چنین رقابتی «خود را تحقیر کند». فاینشئال تایمز نیز گزارش داده جاناتان رینولدز، رئیس فراکسیون حزب کارگر در مجلس عوام، به استارمر گفته میل فرآیندهای میان‌نمایندگان برای انتقال منظم قدرت به برنهام وجود دارد. یکی از سرسخت‌ترین حامیان نخست‌وزیر نیز گفته تصمیم‌های بزرگی در هفته‌ها و ماه‌های آینده باید گرفته شود و نباید در تصمیم‌ها در فضایی گرفته شود که مردم خشمگین، خسته یا تحت تحریک کسانی هستند که نفعشان در شکست حزب کارگر در انتخابات بعدی است. این جمله به ظاهر دفاع از نظم فعلی است، اما در باطن پذیرش یک واقعیت است: حزب دیگر نمی‌تواند با بی‌تصمیمی پیش برود. آرزور هم از قول یکی از دوستان نخست‌وزیر نوشته استارمر واقعیت‌ها را می‌بیند. به گفته او، جلوگیری از «شوب»، همان عبارتی که خود استارمر درست به کار برده بود، دیگر با ماندن او ممکن نیست و بنابراین فقط یک گزینه باقی می‌ماند. این دوست نزدیک گفته استارمر ظاهرا به این نتیجه رسیده که کناره‌گیری می‌تواند گزینه‌ای وظیفه‌شاسانه برای خدمت به کشور و حزب باشد.

برنهام و میدان بی‌رقیب

برنهام اکنون فقط یک رقیب بالقوه نیست، به روایت متحدانش، چهره‌ای است که می‌تواند بدون رقابت جدی تاج‌گذاری کند. گفته می‌شود او حمایت نزدیک به ۳۰۰ نماینده را دارد و اطرافیانش معتقدند حجم این حمایت، انتقال قدرت را «اجتاب‌ناپذیر» می‌کند. سخنرانی پیروزی او در میکروفیلد هم جای انهام نگذاشت؛ برنهام گفت «همه می‌دانند سیاست به روش استارمر دیگر کار نمی‌کند» و «همه حس می‌کنند کشور اکنون در وضعیتی نیست که باید باشد». سپس اضافه کرد این شب شاید نقطه عطف باشد. پشت این جمله‌ها، داستان بزرگ‌تری

شکست نخست‌وزیر بریتانیا در انتخابات «میکروفیلد»، بحران رهبری حزب کارگر را شعله‌ور کرد

تنهایی استارمر



قرار دارد. نارضایتی از استارمر ماه‌هاست در حزب کارگر نمایان شده است. او در جولای ۲۰۲۴ حزب چپ میانه کارگر را به پیروزی قاطع انتخاباتی رساند، اما پس از آن نتوانست به وعده رشد اقتصادی، ترمیم خدمات عمومی فرسوده و کاهش فشار هزینه زندگی با سرعتی قانع‌کننده عمل کند. خطاهای سیاسی بی‌دری هم فضا را بدتر کرد؛ ازجمله تصمیم بحث‌برانگیز او برای انتصاب پیتر مندلسون، دوست بدنام جفری ایستین، به‌عنوان سفیر بریتانیا در آمریکا. حزب کارگر هم‌زمان از دو سوی میدان رأی تحت فشار است؛ رأی‌دهندگان لیبرال به سوی حزب سبز در حال حرکت هستند و رفرم با رهبری فاراژ با شعارهای ضدمهاجرت در نظرسنجی‌های ملی پیشتاز شده است. برای نمایندگان حزب کارگر، مسئله فقط محبوبیت شخصی استارمر نیست؛ ترس از باختن در انتخاباتی است که هنوز زمان در پیش دارد، اما نشانه‌های خطرش زودتر رسیده است. در همین میان، وس استریتینگ نیز سایه‌ای بر رقابت دارد. گمانه‌زنی‌ها بالا گرفته که او شاید در ازای جایگاهی در کابینه، به سود برنهام عقب بنشیند؛ هرچند یکی از اعضای تیمش گفته وزیر پیشین بهداشت برای چالش رهبری «آماده» است، وب‌سایت دارد، ویدئوی آغاز کمپین آماده کرده و شعارش «هنوز می‌توانیم» است. بااین حال، نزدیکان استریتینگ از رابطه خوب او با برنهام می‌گویند و می‌پذیرند این دو در میکروفیلد دیدار کرده و جمعه‌سب هم گفت‌وگو داشته‌اند؛ هرچند هرگونه معامله را رد می‌کنند. یک منبع در حزب کارگر گفته بزرگ‌ترین مشکل برنهام و استریتینگ این است که نخست‌وزیر هنوز در قدرت است. به گفته او، هیچ‌کدام این آخر هفته بیرون نیامده‌اند و هر دو به استارمر فرصت می‌دهند به نتیجه درست برسند، نتیجه‌ای که از نگاه این منبع، روشن است؛ رقابت برای او، حزب و کشور خوب نیست. ترجیح آنان انتقال آرام است، نه بیرون‌کشیدن اجباری نخست‌وزیر از شماره ۱۰.

چکرز و پایان اقتدار

داویننگ استریت البته هنوز روایت سقوط را نمی‌پذیرد. منابع نزدیک به نخست‌وزیر تأکید دارند استارمر همچنان بر سخنان پس از شکست خود ایستاده و آماده است هم در مقام نخست‌وزیر بماند و هم در رقابت رهبری حضور داشته باشد. آنان می‌گویند او در روزهای پیش‌رو «در میدان» خواهد بود و دست‌کم یک اعلام سیاست داخلی در آغاز هفته در برنامه دارد. این یعنی ستاد نخست‌وزیری می‌خواهد نشان دهد دولت هنوز کار می‌کند و اسیر بحران درون حزبی نشده است. استارمر آخر هفته را در چکرز، اقامتگاه روستایی نخست‌وزیران بریتانیا، همراه همسرش لیدی استارمر گذراند و گزینه‌های خود را سنچید. پیتر کابیل، وزیر کسب‌وکار، روز گذشته به بی‌بی‌سی گفت استارمر «برای فکرکردن به واقعیت‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های سیاسی پیش‌روی خود زمان گذاشته است». او اضافه کرد نخست‌وزیر را کسی می‌داند که همیشه کشورش را مقدم بر هر مسئله دیگری می‌گذارد، اما گزارش‌ها درباره استعفاي او را «گمانه‌زنی» خواند. بااین‌حال، چارلی فالکونر، عضو ارشد حزب کارگر در مجلس اعیان، به بی‌بی‌سی گفت استارمر «مطلقا هیچ اقتداری» برایش باقی نمانده است. او خواستار روند توافقی انتقال شد؛ روندی که در آن برنهام و استارمر درباره زمان واگذاری قدرت همکاری کنند. این زبان، زبان کودتا نیست؛ زبان پایان مرحله است. حزب کارگر می‌خواهد از سقوط بی‌نظم نخست‌وزیر جلوگیری کند، اما معنای همین تلاش آن است که بحث بر سر ماندن، جای خود را به بحث بر سر شیوه رفتن داده است.

استارمر در کمتر از دو سال، از پیروزی بزرگ انتخاباتی به آستانه انتقال قدرت درون حزبی رسیده است. شکست او هنوز قطعی اعلام نشده، اما حلقه سیاسی اطرافش کوچک شده، کابینه از تعلل خسته است و برنهام با رأی میکروفیلد و روایت «نقطه عطف» وارد مجلس شده است. اگر نخست‌وزیر جدول زمانی خروج ندهد، حزب ممکن است خودش جدول را بنویسد. در آن صورت، سؤال دیگر این نیست که استارمر می‌ماند یا نه؛ سؤال این است که آیا می‌تواند رفتن خود را مدیریت کند یا فقط شاهد مدیریت‌شدن آن خواهد بود؟

آکهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت نگین خاک فرتاک (با مسئولیت محدود) شماره ثبت: ۴۵۱۹۳۵ شناسه ملی: ۱۴۰۰۳۹۵۷۱۷۵

بدینوسیله از کلیه شرکا شرکت نگین خاک فرتاک (با مسئولیت محدود) دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده که راس ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۲ در محل قانونی شرکت بنشانی: تهران، جهاد ، خیابان شهید هاشم ساجدی، خیابان شهید جمشید پورزکریا (۲/۱۲)، پلاک ۴۴، طبقه سوم تشکیل می‌شود حضور بهم برسانند.
دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده:
۱- افزایش سرمایه شرکت از طریق ورود شریک جدید-۲ اصلاح ماده اساسنامه

هیئت مدیره

مدرك فارغ‌التحصیلی اینجانب **فران احمدی امیر ابادی** فرزند غلامرضا باشماره کد ملی ۲۴۰۸۵۲۷۹۹-صادره از کرمانشاه در مقطع کارشناسی نایب‌وسته رشته تکنولوژی برق- قدرت صادره از واحد دانشگاهی کرمانشاه با شماره سریال ۱۴۰۸۷۰/۱۴/مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه به نشانی: کرمانشاه، شهرک متخصصین، انتهای بلوار فریختگان به کد پستی ۶۷۱۸۹۹۷۵۵۱ ارسال نمایند.

اخطار به نوبت دوم به عضو

حوزه فعالیت شرکت

که منتج به توقف فعالیت شرکت و زیان شدید وارده به شرکت شده می‌باشد و آدرسی از شما در دسترس نمی‌باشد. به موجب این اخطار قانونی بمدت ۱۵ روز از تاریخ ابلاغ (از زمان انتشار این آگهی اخطاری) به شما مهلت داده می‌شود تا نسبت به حضور در محل شرکت به آدرس پوشهر خیابان عاشوری بهارستان ۷، پلاک ۳۸ یا شعبه دیگر دفتر شرکت واقع در، پوشهر خیابان سنگی کوچه گلخونه ساختمان سیراف۵، واحد ۱۲ حضور یافته و نسبت به انجام تعهدات خود و جبران خسارات وارده به شرکت اقدام نمایید.
پدیدهی است در صورت استمرار وضعیت فعلی و عدم حضور در موعد مقرر و استنکاف از انجام موارد فوق‌الذکر، موجب اتخاذ تصمیم جهت جلوگیری از تضییع حقوق دیگر اعضا و تضییع بیشتر شرکت نسبت به اخراج شما از شرکت طبق مقررات قانونی اقدام خواهد شد.

بهرام محمدی ی – رئیس هیات مدیره شرکت تعاونی آزمون

گزارش

کریمه‌زیر آتش اوکراین

شرق: حمله گسترده اوکراین به کریمه اشغالی، فروش سوخت را در این شبه‌جزیره متوقف کرد و هم‌زمان زیرساخت‌های نظامی و انرژی روسیه را هدف گرفت؛ رخدادی که نشان می‌دهد کی‌یف با پهپادهای دوربرد، جنگ فرسایشی را به عمق لجستیک مسکو کشانده است. مقام‌های کاشماته‌شده از سوی روسیه در کریمه روز گذشته اعلام کردند در پی حمله گسترده اوکراین به این شبه‌جزیره در دریای سیاه، چهار نفر کشته و ۲۸ نفر زخمی شده‌اند. سرگنی آکسیونوف، حاکم منصوب مسکو در کریمه گفت حمله پهپادی اوکراین به شبه‌جزیره کرج، که در مرز اتصال کریمه به خاک روسیه قرار دارد، تلفات غیرنظامی برجا گذاشته است. هم‌زمان او اعلام کرد فروش سوخت از ساعت ۹ صبح ۲۱ ژوئن در جایگاه‌های کریمه متوقف شده و بنزین فقط به شرکت‌ها و نهادهای دولتی فروخته خواهد شد.

کی‌یف می‌گوید هدف این حمله، تأسیسات نظامی و انرژی در کریمه بوده است؛ منطقه‌ای که مسکو از زمان الحاق آن در سال ۲۰۱۴ به یکی از پایگاه‌های اصلی لجستیکی خود برای جنگ چهارساله علیه اوکراین تبدیل کرده است. ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، گفت نیروهای اوکراینی پل کریمه، مسیر اتصال شبه‌جزیره به روسیه و نیز سامانه‌های راداری و پدافند هوایی را هدف قرار داده‌اند. پس از تقویت توان پهپادهای دوربرد، کی‌یف اکنون می‌گوید می‌تواند در امتداد کریدور زمینی اشغالی جنوب شرق اوکراین، که روسیه برای تأمین کریمه و نبروهایش از آن استفاده می‌کند، هر زمان بخواهد ضربه بزند. این تغییر یکسری از مهم‌ترین تفاوت‌های مرحله تازه جنگ است؛ اوکراین دیگر فقط خط مقدم را نگاه نمی‌دارد؛ مسیر تنفس لجستیکی روسیه را هم می‌فشارد.

در ماه‌های اخیر، حملات پهپادی اوکراین به تأسیسات انرژی داخل روسیه شدت گرفته و اهدافی بسیار دورتر از جبهه را درگیر کرده است. همین هفته، اوکراین دو بار یک پالایشگاه بزرگ در مسکو و اهداف قرار داد. کی‌یف می‌گوید این حملات برای کاهش درآمدهای نفتی روسیه انجام می‌شود؛ درآمدهایی که کرملین از آنها برای تأمین مالی جنگ استفاده می‌کند. برخی جایگاه‌های سوخت در روسیه، سومین تولیدکننده بزرگ نفت جهان، در این ماه سهمیه‌بندی سوخت را آغاز کرده‌اند. صادرات سوخت نیز از آوریل ممنوع شده است. شرکت پژوهشی انرژی اینتلینجنس، مستقر در آمریکا، اوایل ماه جاری اعلام کرد حدود یک سوم ظرفیت پالایشی نفت روسیه به دلیل حملات اوکراین از مدار خارج شده است.

دفترچه قرارداد پروژه هاشمی نژاد تهرانسر بشماره

۱۴۳۲۶/۰۱/پ/ش مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۲۵ مربوط به ساختمان بلوک ۸۷ ط ۵ پ ۵۰۷ بنام رامین نجدی و لیلا ماله میر چگینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگه سبز، کارت و سند کمپانی موتورسیکلت رادیسون

(طرح ویوو) به رنگ آبی مدل ۸۹ بشماره تنه ۸۹۰۴۴۲۰

شماره موتور 10R04192 و شماره پلاک ۱۱۶-۲۳۵۱۱

بنام سید تقی حسینی جم مفقود گردیده

و فاقد اعتبار است

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای

حصار امیر کد ۱۱۵۱ به نام شورای اسلامی بخش خاوران که می‌بایست ارائه گردد.
۶ – ضمانت حسن انجام تعهدات: برنده مناقصه موظف به ارائه ضمانتنامه/ سپرده حسن انجام تعهدات به مبلغ ۵% قرارداد می‌باشد.
۷ – پیش پرداخت طبق ضوابط: ۲۵ درصد درقبال ضمانت نامه معتبر
۸ – محل تأمین اعتبار: اعتبارات شورای بخش خاوران
۹ – مهلت زمانی دریافت اسناد: تا ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۴
۱۱ – آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها: آخرین مهلت تسلیم (ارانه) پیشنهادها و ارانه اصل پاکات در مناقصه به شورای اسلامی بخش خاوران پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ (ساعت ۱۲) می‌باشد.
۱۲ – محل ارانه اصل ضمانتنامه شرکت در مناقصه و تلفن تماس جهت پاسخگویی به سوالات: تهران- بزرگراه امام رضا (ع) شهر قیام‌دشت بلوار امام خمینی ساختمان شورای اسلامی بخش خاوران
تلفن: ۰۲۱۳۳۳۵۸۳۰۴۲
۱۳ – زمان گشایش پیشنهادهای: روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۷
۱۴ – مهلت دفترشورای بخش ساعت: ۹
۱۵ – هزینه خرید اسناد: ۳۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال

نوبت اول

ادامه از صفحه اول

۹۳۶

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول

اول